

خبر

وضعیت نگران‌کننده آب در تهران و خوزستان

وضعیت بارش و ذخایر سدها در برخی استان‌های کشور از جمله تهران و خوزستان به سطح هشداردهنده رسیده است. این موضوع در روزهای گذشته نگرانی‌هایی جدی را برای استان‌های ذکرشده به دنبال داشته و بعضا احتمال جیره‌بندی آب در رسانه‌ها مطرح شده است. در همین زمینه ایسنا نوشته است که بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد میزان بارش در هفته‌های آینده در برخی از استان‌های کشور، از جمله خوزستان و تهران، کاهش محسوسی خواهد داشت. این روند که از اواخر اسفند آغاز شده، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر منابع آبی این مناطق برجای بگذارد. گزارش‌ها حاکی از آن است که هرچند در کوتاه‌مدت، بارش‌هایی در برخی استان‌های غربی کشور از جمله خوزستان و لرستان پیش‌بینی می‌شود، اما این بارندگی‌ها پراکنده و محدود خواهند بود. با عبور سریع سامانه‌های بارشی، بخش‌های جنوبی کشور، به‌ویژه خوزستان، سهم چندانی از این بارش‌ها نخواهند داشت. تحلیل‌های هواشناسی نشان می‌دهد که عمده بارندگی‌ها در ارتفاعات زاگرس متمرکز خواهد بود و مناطق جنوبی خوزستان از بارش‌های مؤثر بی‌بهره خواهند ماند. علاوه‌براین براساس آخرین آمار منتشرشده تا ۱۹ اسفند، میزان بارش‌های کشور به ۱۰۱ میلی‌متر رسیده که نسبت به میانگین بلندمدت (۱۶۰ میلی‌متر) کاهش ۳۷درصدی را نشان می‌دهد. این وضعیت به‌ویژه در استان‌های هرمزگان، سیستان‌وبلوچستان، خوزستان، کهگیلویه‌وبویراحمد و بوشهر بحرانی است؛ زیرا بارندگی‌ها در این مناطق بیش از ۵۰ درصد کاهش داشته است. استان‌های دیگری مانند تهران، البرز، اصفهان، لرستان و اردبیل نیز با کاهش ۳۰ تا ۵۰درصدی بارش روبه‌رو هستند. درحالی‌که استان‌هایی نظیر قم، همدان، کرمان و خراسان رضوی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد کاهش بارندگی داشته‌اند. فقط استان‌های گیلان، مازندران و زنجان در محدوده نرمال بارش قرار دارند. با توجه به پیش‌بینی‌های هواشناسی، بارش‌های اخیر تأثیر قابل توجهی در تأمین منابع آبی نداشته و حتی اگر در فروردین و اردیبهشت بارندگی در حد نرمال باشد، کمبود بارش سالانه جریان نخواهد شد. این شرایط مدیریت منابع آبی کشور را به چالش جدی تبدیل کرده است. کارشناسان اقلیم‌شناسی هشدار داده‌اند که با توجه به شرایط فعلی، نیمه نخست فروردین‌ماه با کمبود بارندگی مواجه خواهد شد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که یک موج پرفشار جوی در اوایل این ماه موجب سکون هوا و کاهش بیشتر میزان بارش خواهد شد. چنین وضعیتی می‌تواند روند تأمین منابع آبی را با چالش‌هایی جدی مواجه کند. بررسی شاخص‌های جوی نیز نشان می‌دهد که چشم‌انداز بارشی در اردیبهشت‌ماه چندان امیدوارکننده نیست. براساس الگوهای اقلیمی، نشانه‌ای از بازگشت سریع دوره‌های بارشی مطلوب در ماه‌های آینده دیده نمی‌شود و احتمال ادامه این شرایط تا مدتی پس از فروردین‌ماه وجود دارد. به گفته متخصصان، هفته‌های پیش‌رو از مهم‌ترین بازه‌های بارشی این دوره محسوب می‌شوند و سپری‌شدن آنها بدون بارش، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر منابع آبی کشور داشته باشد. کاهش بارندگی فقط محدود به خوزستان نیست، بلکه تهران و برخی دیگر از استان‌ها را نیز درگیر خواهد کرد. موضوعی که می‌تواند پیامدهای مهمی برای مدیریت منابع آب در کشور به همراه داشته باشد.

زهرا کریمی، اقتصاددان درباره شیوه معقول تعیین حقوق کارگران با توجه به شرایط نامساعد بنگاه‌های اقتصادی به «شرق» توضیح می‌دهد

پیچ سخت دستمزد



شرق: تعیین مزد کارگران امسال پیچیده‌تر از هر سال شده است. از سویی صعود قیمت دلار به بیشتر از ۹۰ هزار تومان، تورم بالا و چشم‌انداز مبهم از آینده سیاست خارجی کشور سبب شده است معیشت و زندگی طبقات کارگری با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو باشد و نگرانی برای کاهش بیش از پیش قدرت خرید این طبقه بالا بگیرد و از سوی دیگر بنگاه‌های اقتصادی کشور هم با شرایط دشواری دست به گریبان هستند. به جز تحریم، نوسانات نرخ ارز، مشکلات نقل و انتقال پول و تورم بالا، بنگاه‌های کشور حالا با پدیده ناترازی انرژی دست و پنجه نرم می‌کنند و بخشی از خطوط تولید تعطیل شده‌اند و از آن سو گزارش‌های متعدد حاکی از خسارت قطع برق و گاز به صنایع است. این موضوع سبب شده است که بیم تعدیل نیرو و اخراج کارگران در سال آینده وجود داشته باشد. به همین دلیل شاید بتوان گفت که امسال جلسات تعیین دستمزد کارگران یکی از دشوارترین روزهای خود را پشت سر می‌گذارد. در همین زمینه زهرا کریمی، دکترای تخصصی علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی و دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری به «شرق» توضیح می‌دهد که بهترین راهکار برای عبور از این شرایط دشوار چیست و چگونه می‌شود با لحاظ شرایط بنگاه‌های اقتصادی مانع از تضعیف بیشتر قدرت خرید کارگران شد؟

جلسات بی نتیجه مزد

وضعیت دشوار اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۴ نگرانی‌های زیادی را به دنبال داشته است و درست در همین شرایط تعیین دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ یکی پس از دیگری بی نتیجه به پایان می‌رسد.

زهرا کریمی، اقتصاددان، در این زمینه به «شرق» توضیح می‌دهد: من فکر نمی‌کنم این پرسش جواب ثابتی برای همه زمان‌ها و همه مکان‌های دنیا داشته باشد. من جواب شما را بر اساس وضعیت اکنون ایران می‌دهم. من معتقدم که برای امسال، افزایش حداقل دستمزد باید معادل تورم یا یک تا دو درصد بالاتر از آن باشد.

او در ادامه گفت: تورم وحشتناکی در پیش است و با افزایشی که در ماه‌های آخر سال در قیمت دلار تجربه می‌کنیم، تورم سنجکینی برای سال آینده در پیش است، مگر اینکه معجزه‌ای ما را نجات دهد. ما به سمت بدترشدن اوضاع می‌رویم تا ببینیم این معجزه فرا خواهد رسید یا خیر؟ تورم به میزانی کمرشکن رسیده و ناراضیانی‌ها را بالا برده است. البته من هم می‌دانم که افزایش دستمزدها ممکن است تقاضا را بالا برده و تورم را بیشتر کند، ولی یک بخش اقتصاد سیاسی هم وجود دارد.

این کارشناس بازار کار توضیح می‌دهد: در حال حاضر طبقه متوسط کشور در رده حداقل مزدبگیران قرار دارد. بخش زیادی از افراد دارای تحصیلات لیسانس و فوق‌لیسانس که در بنگاه‌های مختلف و حتی بخش عمومی و شبه‌دولتی کار می‌کنند، حول‌وحوش حداقل دستمزد دریافت می‌کنند. افزایش حداقل دستمزد می‌تواند طبقه متوسط را مقداری از این فشار کشنده نجات داده و از این ناراضیانی انفجارآمیز کم کند.

به گفته کریمی «اگر ما در سراشیب خطرناک افتادیم، حداقل می‌توانیم بخشی از آن را برای طبقه متوسط آسیب‌دیده جبران کنیم. اگر هم وضع بهتر نشد، این افزایش حقوق نمی‌تواند کشور

زهرا کریمی، اقتصاددان درباره شیوه معقول تعیین حقوق کارگران با توجه به شرایط نامساعد بنگاه‌های اقتصادی به «شرق» توضیح می‌دهد

پیچ سخت دستمزد

را دچار تنش‌های اجتماعی کند. مسئله انتظارات و مسئله بهبود وضعیت تجارت خارجی، اقتصاد ما را به یک حرکتی امیدوار می‌کند.»

این اقتصاددان در ادامه توضیح می‌دهد: شاید سال گذشته این عقیده را نداشته‌ام و فکر می‌کردم افزایش مزدها باید کمی کمتر از تورم باشد، در مورد امسال به‌طور مشخص اصلا این عقیده را ندارم و معتقدم افزایش دستمزد باید حداقل به میزان تورم و حداکثر چند درصدی بالاتر از تورم باشد.

کریمی با اشاره به اینکه بنگاه‌های اقتصادی هم در شرایط فعلی تضعیف شده‌اند و قدرت مالی چندانی ندارند، توضیح می‌دهد: مسئله حال حاضر دستمزد فقط مسئله قدرت پایین کارگران در چانه‌زنی نیست.

در حال حاضر و در این شرایط، من معتقدم که بنگاه‌های ما حاشیه‌ای و در معرض ورشکستگی هستند که بیش از اینکه افزایش مزد اینها را ورشکسته کند، همین وضعیت طلا و ارز و تورم مواد اولیه، این بنگاه‌ها را دچار مشکل جدی خواهد کرد.

او در ادامه تأکید می‌کند: پس چنین نیست که هزینه مزد در اکثر بنگاه‌ها عامل کشنده و فلج‌کننده‌ای باشد. مسئله‌ای که در اکثر بنگاه‌های ما از جمله در ایران خودرو، در واحدهای بزرگ دیگر وجود دارد، من در بندرعباس بوده‌ام، در مناطق دیگر بوده‌ام، این است که با این دستمزدها نیروی کار اصلا نمی‌خواهد در این بنگاه‌ها جذب شود. این بنگاه‌ها وقتی برای مثال ۱۰ نفر نیرو می‌خواهند، پنج نفر را هم نمی‌توانند جذب کنند.

این کارشناس بازار کار همچنین می‌گوید: می‌دانیم، ما به این سمت‌وسو رفته‌ایم که کارگران از کار در صنایع رویگردان شده‌اند. حتی جوانان فارغ‌التحصیل ما هم فکر می‌کنم با این دستمزدهای هفت میلیون، هشت میلیون و ۱۰ میلیون هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. خیلی از کارفرمایانی که قبلا می‌چنگیدند که حداقل دستمزد افزایش پیدا نکنند، الان به اشکال مختلفی حداقل دستمزد را ترمیم می‌کنند، وعده غذای گرم می‌دهند، وعده امکانات دیگری می‌دهند، تغذیه خشک می‌دهند. یعنی کنار دستمزد، کمک‌های غیرتقدی ارائه می‌دهند بلکه این شغل برای نیروی کار جذاب باشد و اگر شما یک مقداری سؤال کنید، می‌بینید جابه‌جایی نیروی کار فوق‌العاده بالاست.

کریمی همچنین می‌گوید: به نظر من در بسیاری از بنگاه‌ها، کارفرماها به دنبال کاهش حداقل مزد واقعی نیستند و فکر می‌کنند که نمی‌توانند با این مزدهای پایین نیروی کار خود را نگه دارند. اگر ما واقعا به دنبال این هستیم که بنگاه‌های ما خرد نشوند، باید فکری به حال این وضعیت بکنیم. الان چیزی که ما در گزارش‌های کسب‌وکار بنگاه‌ها می‌بینیم، مشکلات نیروی انسانی واقعا در رده‌های خیلی پایین قرار دارد. معمولا بنگاه‌ها نقدینگی ندارند، بازارهای فروش ندارند و این مسائل است که آنها را با مشکل مواجه کرده. مقدار زیادی از این بحث‌ها مربوط به اقتصاد سیاسی است تا صرفا اقتصاد.

او می‌افزاید: من از طرف بنگاه‌ها هم می‌بینم که بسیاری از آنها با نیروی کار مشکلی ندارند و مشکل اصلی آنها طرف تقاضا و تأمین نیازهای‌شان از بازار است، نیازهایی غیر از نیروی کار مثل مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، اقلام وارداتی. در مجموع من فکر می‌کنم که اگر تورم در این چند ماه ۳۵ درصد است، مجبوریم امسال افزایش مزدی ۴۰ درصدی داشته باشیم. نمی‌توانیم دوباره سراخ افزایش ۲۸،۲۷ درصدی برویم. به باور من کف افزایش دستمزد باید حداقل معادل تورم باشد.

خسارت تعطیلی پنجشنبه

می‌کنند کاش همان موقع جلوی این وضع گرفته می‌شد.

وضع مجموعه مقررات نادرست مالی، بانکی، گمرکی، بیمه‌ای و تفسیرهای نابجا مصادیقی از این وضعیت هستند اما جبران هر اشتباه مستلزم یک تاوان است. در مناسبات اقتصادی هم اصلاح اقدامات اشتباه تاوانی غیر از تحمیل هزینه سربار، هدررفتن زمان و از دست رفتن فرصت حضور در بازارهای رقابتی ندارد.

فرض کنیم که مطابق مقررات جدید یک کارخانه روزهای پنجشنبه و جمعه تعطیل می‌شود، بالاخره این کارخانه برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات یا عقد قرارداد فروش مجبور به مراوده مستقیم و غیرمستقیم با بازارهای جهانی خواهد بود که مطابق عرف در دو روز شنبه و یکشنبه تعطیل هستند. این یعنی اگر اتفاق غیرمترقبه‌ای نیفتد، بنگاه‌های اقتصادی تنها برای سه روز فرصت کار و تولید دارند و در عمل چهار روز دیگر تعطیل و نیمه‌تعطیل هستند.

جالب اینکه هم در قانون مدیریت خدمات کشوری و هم در قانون کار برای فعالیت مشاغل تعطیل‌ناپذیر شرایط استثنا در نظر گرفته شده است اما معلوم نیست چرا در قانون جدید این مسائل در نظر گرفته نشده است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی اگر تنها به اندازه همتایان‌شان در مجالس قانون‌گذاری دیگر کشورهای اسلامی معنظ بودند، الان با این وضعیت روبه‌رو نبودیم.

درواقع آنچه اتفاق افتاده، در ظاهر تسهیل شرایط کار کارگران است اما در عمل با ممانعت از فعالیت کارگاه و افزایش هزینه‌های تولید باعث می‌شود آینده روشنی پیش‌رو نباشد.

ضمن اینکه چهار فصل سال ۱۴۰۳ برای تولیدکنندگان سراسر ناترازی انرژی بود. قطع برق در تابستان‌ها و قطع گاز در زمستان‌ها به فعالیت بسیاری از کارگاه و کارخانه‌ها لطمه زد که در پی این اتفاق امنیت شغلی کارگران زیادی در معرض تهدید قرار گرفت. هنوز سال ۱۴۰۴ نیامده، صحبت از تشدید بحران ناترازی انرژی است. واضح است که در این شرایط با تصویب قانون الزامی‌بودن تعطیلی پنجشنبه‌ها، این وضعیت بغرنج‌تر خواهد شد.

با این حال ظاهرا در وضعیت حاضر کسی از میان متولیان متوجه شرایط نیست، ازاین‌رو وظیفه خود می‌دانیم تا در راستای صیانت از منافع واقعی شرکای تولید و خلاف مصلحت‌اندیشی‌های مرسوم، از نهایت توان خود برای اصلاح این قانون استفاده کنیم.

یادداشت

آیا ممنوعیت واردات برنج کمکی به تولید داخلی می‌کند؟

مجیدرضا خاکی، دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران: ممنوعیت واردات برنج در چهارماهه دوم سال، سیاستی است که بیش از آنکه دستاوردی برای بازار داخلی برنج داشته باشد، به مشکلات ساختاری این حوزه دامن می‌زند. ایسن تصمیم که شاید با هدف حمایت از تولید داخلی اتخاذ شده باشد، به دلایل متعددی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، غیرکارشناسی به نظر می‌رسد و تأثیرات منفی بر بازار، تولید و مصرف‌کنندگان خواهد داشت.

یکی از استدلال‌های محوری برای ممنوعیت واردات برنج در این بازه زمانی، حمایت از کشاورزان داخلی و فروش محصولات تولید داخل است اما تجربه نشان داده که برنج خارجی و داخلی در کشور، بازارهای کاملاً جداگانه‌ای دارند. چنان‌که به‌جز استان‌های شمالی که مصرف برنج داخلی در آنها غالب است، در سایر مناطق کشور عمدهٔ برنج خارجی مصرف می‌شود. به همین دلیل، واردات برنج خارجی هیچ‌گاه تقاضا برای برنج ایرانی را کاهش نداده؛ گزاره‌ای که عکس آن نیز صادق است. به عبارتی دیگر وجود مکفی برنج ایرانی، لزوما پاسخ‌گوی تقاضای برنج خارجی نیست. در واقع، این دو نوع برنج به دلیل تفاوت‌های قابل توجه در کیفیت، قیمت و ذائقه، اساساً جایگزین یکدیگر نیستند و فراوانی یکی نمی‌تواند کمبود دیگری را جبران کند.

صداق بازار و ملموس این مدعا، وضعیت اخیر بازار برنج است. چنان‌که با وجود فراوانی برنج ایرانی و اعلام مسئولان مبنی بر تحقق ارقام نجومی در تولید و عدم نیاز به واردات، اما در مدت اجرای قانون ممنوعیت، شاهد بازاری آشفته و قیمت‌های غیرواقعی حتی در برنج ایرانی بودیم و به‌سبب اینکه خروج برنج از کمربت هم‌زمان با اول آذر از سر گرفته شد، تلاطم بازار فروکش کرد و قیمت‌ها به سطوح معقول بازگشت. این وضعیت به‌وضوح نشان می‌دهد که سیاست ممنوعیت واردات نه‌تنها تعادل مورد انتظار را در بازار حفظ نمی‌کند، بلکه می‌تواند فشار مضاعفی بر بازار وارد کرده و مصرف‌کنندگان را به چالش بکشد.

از سویی دیگر، فصل برداشت برنج در کشورهای صادرکننده از جمله هند و پاکستان و به تبع آن کاهش قیمت جهانی آن از نیمه شهریورماه، فرصتی طلایی برای تأمین برنج خارجی با هزینه‌کرد ارزی کمتر ایجاد می‌کند. با این حال ممنوعیت واردات تا آذرماه، کشور را از این مجال مناسب محروم کرده و ثبت سفارش زمانی امکان بارگذاری دارد که این پنجره عملاً بسته شده و طبیعتاً تأمین کالا با صرف هزینه بیشتری همراه است. همچنین ذکر این نکته ضروری است که هم‌زمان با اتمام ممنوعیت، ورود حجم بالایی از برنج به داخل کشور می‌تواند بازار را دچار شوک کند. تجربه نشان داده چنین ورود یک‌باره‌ای، رکود قابل توجهی در بازار برنج ایجاد کرده و حتی می‌تواند خرید و فروش برنج ایرانی را نیز تحت اثر نامطلوبی قرار دهد. از این رو تأمین تدریجی و مستمر برنج خارجی، راهکاری منطقی برای پیشگیری از چنین تلاطم‌هایی است.

نکته دیگری که سیاست ممنوعیت واردات را غیرضروری می‌کند، سیستمی‌شدن ثبت سفارشات و اعمال سقف واردات است. این ابزارها به خودی خود از واردات بی‌رویه جلوگیری می‌کنند و سیاست‌گذار می‌تواند با استفاده از این مکانیسم‌ها، مدیریت بهتری بر بازار داشته باشد.

در جمع‌بندی موارد یادشده، به‌جرت می‌توان عنوان کرد ممنوعیت واردات برنج در چهارماهه دوم سال، به‌جای حفظ ثبات در بازار، زمینه‌ساز التهاب و ناراضیاتی می‌شود. این سیاست با نادیده‌انگاشتن واقعیت‌های بازار و مصرف، موجب افزایش هزینه‌های ارزی، بی‌ثباتی در بازار و آسیب به حوزه تجارت برنج ایرانی خواهد شد. از ایسن‌رو نیاز است تصمیم‌گیران با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و تحلیل دقیق داده‌های بازار، سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که به‌جای محدودکردن واردات، زمینه مدیریت بهتر آن را فراهم آورد و تعادل میان تولید، مصرف و واردات را حفظ کند.

^[1] وضعیت بارش و ذخایر سدها در برخی استان‌های کشور از جمله تهران و خوزستان به سطح هشداردهنده رسیده است

^[2] وضعیت بارش و ذخایر سدها در برخی استان‌های کشور از جمله تهران و خوزستان به سطح هشداردهنده رسیده است